

بررسی و مطالعه ساختارهای معماری مکشوفه از زلف‌آباد فراهان

Study and Analysis of the Architectural Structures Discovered at Zolfabad, Farahan

Mohammadreza Nemati^{1*}, Esmail Sharahi²

محمد رضا نعمتی^{۱*}، اسماعیل شراهی^۲

¹ Associate Professor, Iranian Center for Archaeological Research (ICAR), Tehran, Iran, Corresponding author: m.nemati@richt.ir

^۱ دانشیار پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران. نویسنده مسئول: m.nemati@richt.ir

² General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Markazi Province, Arak, Iran.

^۲ اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی، اراک، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴	منطقه فراهان در حدفاصل غرب و مرکز فلات مرکزی قرار گرفته و در طول تاریخ، به‌خصوص دوره اسلامی، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. محوطه زلف‌آباد با بیش از صد هکتار وسعت، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های دوره اسلامی این منطقه است. در کاوش‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در این محوطه باستانی، آثار و بقایای معماری شامل بخش مسکونی، حمام و میدان‌گاهی به‌دست آمد. ساختارها و فضاهای معماری، سفال و سایر داده‌های حاصل از این کاوش می‌تواند مبنایی برای شناخت بیشتر دوره اسلامی این منطقه و سایر مناطق کشور باشد. هدف اصلی از ارائه این مقاله، معرفی و بررسی ویژگی‌های ساختارهای مکشوفه به‌عنوان نمونه‌ای نویافته، تاریخ‌گذاری دقیق آن‌ها براساس مواد فرهنگی به‌دست‌آمده از فضاها و تطبیق با آن اطلاعات متون تاریخی است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در دو مرحله میدانی و کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. مرحله اول شامل کاوش میدانی و مشخص کردن آثار و بقایای معماری به‌جامانده و مرحله دوم شامل انجام مطالعات کتابخانه‌ای است. پرسش‌های قابل طرح در این پژوهش عبارتند از: معماری مکشوفه از کاوش‌های زلف‌آباد از لحاظ ساختار به چه شکل بوده است؟ در ساخت و شکل‌گیری این ساختارها چه عواملی مؤثر بوده است؟ ساختارهای به‌دست‌آمده از کاوش‌ها می‌تواند بخشی از شهر معروف دلف‌آباد باشد؟ این ساختارها مربوط به چه دوره‌ای هستند؟ و مصالح عمده به‌کاررفته در سازه‌های معماری چیست؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساختارهای مکشوفه از کاوش‌های این محوطه مربوط به واحدهای مسکونی، حمام و میدان هستند که در ساخت و شکل‌گیری این ساختارها، عوامل متعددی همچون اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و به‌ویژه دسترسی آسان به منابع آب مؤثر بوده است. ساختارهای مکشوفه از زلف‌آباد مربوط به بافت روستایی بزرگ است و حداقل در کاوش‌های انجام‌شده در دو فصل، هیچ شواهدی از شهر معروف به‌دست نیامد. بر اساس مواد فرهنگی یافت‌شده از کاوش‌های باستان‌شناسی همچون سفال و سکه، این محوطه از دوره سلجوقی تا پایان دوره صفوی دارای سکونت بوده که اوج گسترش و ترقی آن متعلق به دوره ایلخانی است. ساختارهای معماری محوطه زلف‌آباد براساس شرایط محیطی و اقلیمی منطقه و با استفاده از مصالح بومی ساخته شده‌اند.
واژگان کلیدی زلف‌آباد معماری مسکونی حمام میدان‌گاهی دوران اسلامی	

Abstract: The Farahan region, located between the western and central parts of the Central Iranian Plateau, has held significant historical importance, particularly during the Islamic period. The Zolfabad site, covering more than 100 hectares, is one of the largest and most important Islamic-period archaeological sites in this region. Excavations conducted in 2009 and 2010 uncovered architectural remains including residential units, a bathhouse, and a public square. This study aims to introduce and analyze the characteristics of these newly discovered structures, date them accurately based on the associated cultural materials, and compare the findings with historical references to the site. Employing a descriptive-analytical approach, the research was carried out in two phases: fieldwork and a review of historical sources. The key research questions address the structural features of the excavated architecture, the factors influencing their formation, the possible identification of the site with the historical city of Dalafabad, the chronological framework of the remains, and the primary construction materials used. The findings indicate that the structures-comprising residential buildings, a bathhouse, and a square-were influenced by various factors, including economic, religious, and cultural considerations, particularly the accessibility of water resources. The evidence suggests that Zolfabad represents a large rural settlement, and no indication of its association with the city known as Abu Dalaf was found during the two excavation seasons. Based on cultural materials, the site was inhabited from the Seljuk period through the end of the Safavid period, reaching its peak development during the Ilkhanid era.

History
Received: Oct. 1, 2024
Accepted: Dec. 4, 2024

Keywords
Zolfabad
Architecture
Residential
Bathhouse
Public square
Islamic period

استناد: نعمتی، محمد رضا، شراهی، اسماعیل (۱۴۰۳). «بررسی و مطالعه ساختارهای معماری مکشوفه از زلف‌آباد فراهان». باستان‌شناسی، ۴ (۳): ۱۰۰-۷۵.

<https://doi.org/10.22034/4.3.5>

© ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) نویسندگان مقاله، مجله باستان‌شناسی، مجله پژوهشکده باستان‌شناسی ایران.

مقدمه

شرایط اقلیمی مختلف ایران باعث شده در هر منطقه، معماری متناسب با آن اقلیم شکل بگیرد. به همین دلیل معماری مناطق گرمسیر و سردسیر به دلیل سازگاری با محیط خویش متفاوت است. در این میان، روستاها که جلوه بارزی از حیات اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند، توانسته‌اند با عوامل اقلیمی از جمله باد، تابش آفتاب، پوشش گیاهی و مصالح بوم‌آورد، به بهترین نحو سازگار شوند. استان مرکزی، در مرکز ایران (در حدفاصل مرکز و غرب ایران)، نقش مهمی در تحولات تاریخی و اجتماعی ایران در طول دوره اسلامی داشته است.

از صدر اسلام در نقاط مختلف این استان شهرها و آبادی‌هایی شکل گرفته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به شهرهایی چون ساوه، کرج ابودلف، آوه و مشکویه به‌عنوان شهرهای بزرگ اسلامی در قرون اولیه و میانه دوره اسلامی اشاره کرد. علاوه بر آن، شکل‌گیری مراکز شیعی چون فراهان، تفرش و آوه در گستره آن، اتفاقات و تحولات سیاسی - مذهبی وسیعی را نیز دامن زده که خود بخشی از تاریخ ایران را تشکیل داده است. زلف‌آباد که در متون و منابع از آن به نام زلف‌آباد یا دلف‌آباد نیز یاد شده است (سپهر، ۱۳۷۷: ۲۶۷؛ حسینی‌شیرازی، ۱۳۸۲: ۷۱۲)، یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های اسلامی دشت فراهان به‌شمار می‌رود و در میان اهالی فراهان به‌عنوان خرابه‌ها یا شهر زیرزمینی دلف‌آباد شناخته می‌شود (نعمتی، ۱۳۸۸). در برخی از متون دوره قاجار از شهری در منطقه فراهان یاد شده که توسط ابودلف عباسی ساخته شده است. این شهر دارای کاخ‌ها، مساجد، بازار و کاروانسرا بوده و در زیر شهر، هر آنچه که در روی زمین بوده ساخته شده تا در زمان جنگ و محاصره، اهالی شهر به طبقه زیرین رفته و از شر دشمن محفوظ باشند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۸۶۶).

بخش عمده‌ای از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه زلف‌آباد به معماری اختصاص دارد که از مجموع ۱۵ ترانشه با ابعاد ۱۰×۱۰ متر به‌دست آمده است. این معماری در یک دسته‌بندی کلی شامل بقایای بناهای عمومی (عام‌المنفعه) و بناهای خصوصی است. آثار و بقایای معماری که طی دو فصل کاوش به‌دست آمدند، شامل بخش مسکونی، حمام و یک میدان‌گاه عمومی هستند که طی سالیان متمادی مورد استفاده قرار گرفته و بارها تعمیر شده و یا تغییر کاربری داده‌اند. بررسی ویژگی‌های این ساختارهای مکشوفه می‌تواند شناخت و اطلاعات ما را از معماری این منطقه در دوره

اسلامی بیشتر نماید. علاوه بر این، تاریخ‌گذاری دقیق ساختارهای مکشوفه براساس مواد فرهنگی به‌دست‌آمده از فضاها و تطبیق آن با آنچه که در متون تاریخی درباره این محوطه آمده، از اهداف این مقاله است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی در دو مرحله میدانی و کتابخانه‌ای به‌انجام رسیده است. مرحله اول شامل کاوش میدانی و مشخص کردن آثار و بقایای معماری به‌جامانده و مرحله دوم شامل انجام مطالعات کتابخانه‌ای است.

پرسش‌هایی که در این پژوهش به آن‌ها پاسخ داده می‌شود عبارتند از: معماری مکشوفه از کاوش‌های زلف‌آباد از لحاظ ساختار به چه شکل بوده است؟ در ساخت و شکل‌گیری این ساختارها چه عواملی مؤثر بوده است؟ ساختارهای به‌دست‌آمده از کاوش‌ها می‌تواند بخشی از شهر معروف دلف‌آباد باشد؟ این ساختارها مربوط به چه دوره‌ای هستند؟ و مصالح عمده به‌کاررفته در سازه‌های معماری چیست؟

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ساختارهای مکشوفه از زلف‌آباد مربوط به بافت روستایی بزرگ است که براساس مواد فرهنگی به‌دست‌آمده از کاوش‌ها، همچون سفال و سکه، به‌صورت مستمر از اواخر دوره سلجوقی تا پایان دوره صفویه دارای سکونت بوده و ساختارهای معماری آن براساس شرایط محیطی و اقلیمی منطقه و با استفاده از مصالح بومی ساخته شده‌اند.

پیشینه پژوهش

محوطه زلف‌آباد در برنامه بررسی و شناسایی شهرستان تفرش در سال ۱۳۶۷ توسط خسرو پوربخشنده مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی باستان‌شناسی تعداد بسیاری آثار مربوط به دوران پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی شامل: تپه، محوطه، بناهای مذهبی و غیرمذهبی شناسایی شد (پوربخشنده، ۱۳۷۹: ۲۷). او در سال ۱۳۷۷ با کاوش ۲۶ گمانه در نقاط مختلف، به گمانه‌زنی و تعیین عرصه این محوطه پرداخت (پوربخشنده، ۱۳۷۷). محوطه زلف‌آباد یک بار دیگر در سال ۱۳۸۷ توسط اسماعیل شراهی گمانه‌زنی، تعیین حریم و نقشه‌برداری شد (شراهی، ۱۳۸۷). این محوطه در سال ۱۳۸۷ با شماره ۲۵۰۷ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه زلف‌آباد در تابستان ۱۳۸۸ در ده ترانشه توسط محمدرضا نعمتی (نعمتی، ۱۳۸۹) و فصل دوم آن در سال ۱۳۸۹ توسط اسماعیل شراهی در دو کارگاه به انجام رسید (شراهی، ۱۳۸۹).

محوطه زلف‌آباد

محوطه تاریخی زلف‌آباد در جنوب شهرستان تفرش، به فاصله ۳ کیلومتری شمال شرق شهر فرمهین و در مختصات جغرافیایی ۴۹ درجه و ۴۳ دقیقه و ۱۵ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۴ درجه و ۳۱ دقیقه و ۲۲ ثانیه عرض جغرافیایی قرار دارد (شکل ۱). در میان مردم منطقه فراهان از سالیان بسیار دور شایع شده که این مکان دارای شهر زیرزمینی با تونل‌های گسترده است (نعمتی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). این محوطه وسیع که بر اساس گمانه‌زنی انجام شده در سال ۱۳۸۷ (شراهی، ۱۳۸۷) دارای وسعتی بالغ بر ۱۰۰ هکتار در جهت شمال به جنوب است. در دو طرف جاده آسفالتی فرمهین به آشتیان و تفرش واقع شده، به‌گونه‌ای که جاده مذکور محوطه را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرده است. محوطه مذکور به صورت برآمدگی‌ها و تل‌هایی با ارتفاع متغیر بین نیم تا دو متر است که در کنار بنای امام‌زاده احمد مربوط به دوره ایلخانی و رشته‌قناتی پرآب واقع شده است.

محوطه در جهت شمال به جنوب قرار گرفته و از شمال و شمال شرق تا مزرعه مبارک‌آباد و کارخانه کیسه‌بافی و از غرب و جنوب غرب به باغات نوباد محدود می‌گردد. هسته اصلی به‌واسطه داشتن ارتفاعی بیشتر از ماهورها و محوطه پیرامون، از هرگونه دخل و تصرف توسط کشاورزان در امان مانده است. پشته خاک‌های برآمده در مرکز اصلی محوطه که بر اثر حفاری‌های غیرمجاز، به‌ویژه حفاری‌هایی که بنا بر اشارات منابع تاریخی در اواخر دوره قاجار انجام شده‌اند، ایجاد شده، سطح این قسمت از محوطه را برجسته ساخته است (صدیقیان، ۱۳۸۹: ۱۱۷۲).

به دلیل کشاورزی در سالیان متمادی، بیشتر سطح محوطه تسطیح شده و فقط بخش کوچکی از آن نسبت به سایر بخش‌ها بلندتر است. در مرکز اصلی محوطه، مواد فرهنگی بیشتری شامل قطعات آجر و آجرهای سالم با ابعاد ۲۰×۲۰×۵ سانتی‌متر، قطعات کاشی، انواع سفال‌های لعاب‌دار و بدون لعاب، سرباره‌های ذوب فلز، قطعاتی از ظروف سنگی، قطعات شیشه، تکه‌های تنبوشه سفالی و شواهدی مرتبط با کوره‌های سفالگری از جمله توبی‌های کوره، جوش کوره، سه‌پایه سفالگری، قطعات سفال گدازه‌شده و سفال‌های چسبیده به هم پراکنده است. در جنوب غرب محوطه، بقایای بنایی موسوم به آرامگاه بل حسین، خادم امام‌زاده احمد، وجود دارد که تنها بخشی از دیواره شرقی آن باقی مانده است (نعمتی، ۱۳۸۸).

در متون و منابع تاریخی پیش از دوره قاجار، تنها به صورت پراکنده و اندک از محوطه زلف‌آباد یاد شده است. در کتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی، در بخش ذکر روستاهای «کوزدر» (از رساتین قم)، نام «الدلفیه» ذکر شده است (قمی، ۱۳۱۳: ۱۴۱). حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب به این مکان اشاره کرده و در ذکر روستاهای فراهان آورده است:

«فراهان و درو دیه‌ها معتبر بود و دیه ساروق دارالملک آنجا است و طهمورث ساخت. اکنون زلف‌آباد و ماسیر عظیم قرای آنجاست. طولش از جزایر خالدات فدک و عرض از خط استوا لدن، هوایش معتدل است و آبش از کاریزها و ارتفاعاتش غله و پنبه و انگور و میوه نیکو می‌باشد و پیوسته در آن ولایت ارزانی بود و مردمی شیعه اثنی‌عشری‌اند و بغایت متعصب، و در آن بحیره است که آن را مغول چغان ناوور خوانند و در آن حوالی شکارگاه خوب است. حقوق دیوانی آن ولایت سه تومان و هفت هزار دینار است...» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۹).

در برخی منابع محل جلوس و بر تخت نشستن آباقاخان پسر هلاکوخان در سال ۶۶۳ هجری را «چغان‌ناوور پراهان» یا «فراهان» ذکر کرده‌اند (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۵۹؛ بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۲۷؛ خوافی، ۱۳۴۱: ۳۳۳). همچنین به وفات اتابک سعد بن ابی‌بکر بن سعد بن زنگی (حاکم فارس) نیز اشاره شده که بعد از دوازده روز جلوس او در تبرتو، در سال ۶۵۸ هجری رخ داده است (همان: ۳۲۸). «تبرتو» در گذشته و حال، یکی از روستاهای منطقه فراهان بوده و هست (قمی، ۱۳۱۳: ۱۱۹ و ۱۴۱).

در این دوره و پس از آن، منطقه فراهان به‌عنوان شکارگاه استفاده می‌شد که این موضوع به‌کرات در متون تاریخی آمده است. می‌توان به خلدبرین (واله، ۱۳۷۹: ۲۰۸) و مجمل فصیحی اشاره کرد که در آن به مجروح شدن آباقاخان در حین شکار به‌وسیله یک گاو کوهی در سال ۶۹۹ هجری اشاره شده است (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۲۷؛ خوافی، ۱۳۴۱: ۳۴۱).

زلف‌آباد ظاهراً در دوره صفویه اهمیت کمتری داشته و در هیچ‌یک از منابع دوره صفوی نامی از آن برده نشده است. اما در متون دوره قاجاریه به دفعات به زلف‌آباد اشاره شده که دلیل آن، طغیان مردم آنجا علیه دستگاه حاکم بوده است. با این حال، تقریباً بیشتر نوشته‌های این دوره مشابه هم بوده و به‌نظر می‌رسد از یک منبع مشترک استفاده کرده باشند.

در رابطه با زلف‌آباد، در کتاب مرآة‌البلدان چنین آمده است:

ساختارهای مکشوفه از زلف‌آباد

بخش مسکونی

بر اساس نتایج دو فصل کاوش باستان‌شناسی در محوطه زلف‌آباد، بقایای پنج یا شش واحد بزرگ مسکونی شناسایی شده که شامل ۳۶ فضای کوچک و بزرگ از جمله اتاق‌ها، انباری‌ها و کوچه‌ها است (شکل‌های ۲-۴). واحدهای مسکونی مکشوفه معمولاً دارای یک اتاق بزرگ مستطیل شکل هستند که در بخش عرضی به یک فضای دیگر و در بخش طولی به چندین اتاق کوچک‌تر مربع و مستطیلی منتهی می‌شوند (شکل‌های ۵ و ۶). دیوار طولی اتاق بزرگ‌تر که با اتاق‌های جانبی مشترک است، ضخیم‌تر ساخته شده است. این واحدها در اطراف کوچه‌ای شرقی - غربی یا میدان اصلی که در راستای شمال غرب - جنوب غرب یا جنوب شرق - شمال غرب قرار دارد ساخته شده‌اند.

در کاوش فصل اول، کوچه‌ای باریک به دست آمد (شکل ۷) که به صورت مستقیم نبوده و در وسط دارای زاویه ۹۰ درجه است. در بخش شمالی آن بقایای یک واحد مسکونی و در بخش جنوبی بقایای دو یا سه واحد مسکونی کشف شد. دیوار تمامی این فضاها از خشت‌هایی ساخته شده که از خاک محلی (دارای سنگ‌ریزه و قطعات ریز سفال) و چینه تهیه شده و فاقد پی هستند (شکل ۸). این دیوارها در دوره اول دارای اندود کاه گل و گچ و در دوره دوم روی همان اندودها، با لایه‌ای از گل سفید یا دوغاب گل سفید پوشانده شده و در برخی نقاط آثار رنگ قرمز بر روی اندود گل سفید دیده می‌شود (شکل ۹). کف فضاها در دوره اول از خاک سخت و کوبیده شده و در دوره دوم با خاک نرم حاوی سفال و سایر مواد فرهنگی پر شده و سپس یک لایه ۱۰ سانتی‌متری خاک سفید کوبیده شده روی آن قرار گرفته است. به دلیل همین خاک نرم، کف بسیاری از اتاق‌ها نشست کرده و پستی و بلندی‌هایی ایجاد شده است. برخی اتاق‌ها دارای سه ورودی بوده‌اند که در دوره‌های بعدی تعدادی از این ورودی‌ها با خشت یا تاپوهای گلی مسدود و کاربری آن‌ها تغییر داده شده است (شکل ۱۰). همچنین تعدادی از اتاق‌ها دارای تاقچه در دیوارها (شکل‌های ۱۱ و ۱۲) و تنورهایی با ابعاد و اشکال مختلف در کف (جهت پخت‌وپز، پخت نان یا به عنوان چاله کرسی) هستند که برخی از آن‌ها در دوره‌های بعد تخریب و تنورها یا اجاق‌های جدید در کنارشان ساخته شده‌اند (شکل‌های ۱۳ و ۱۴).

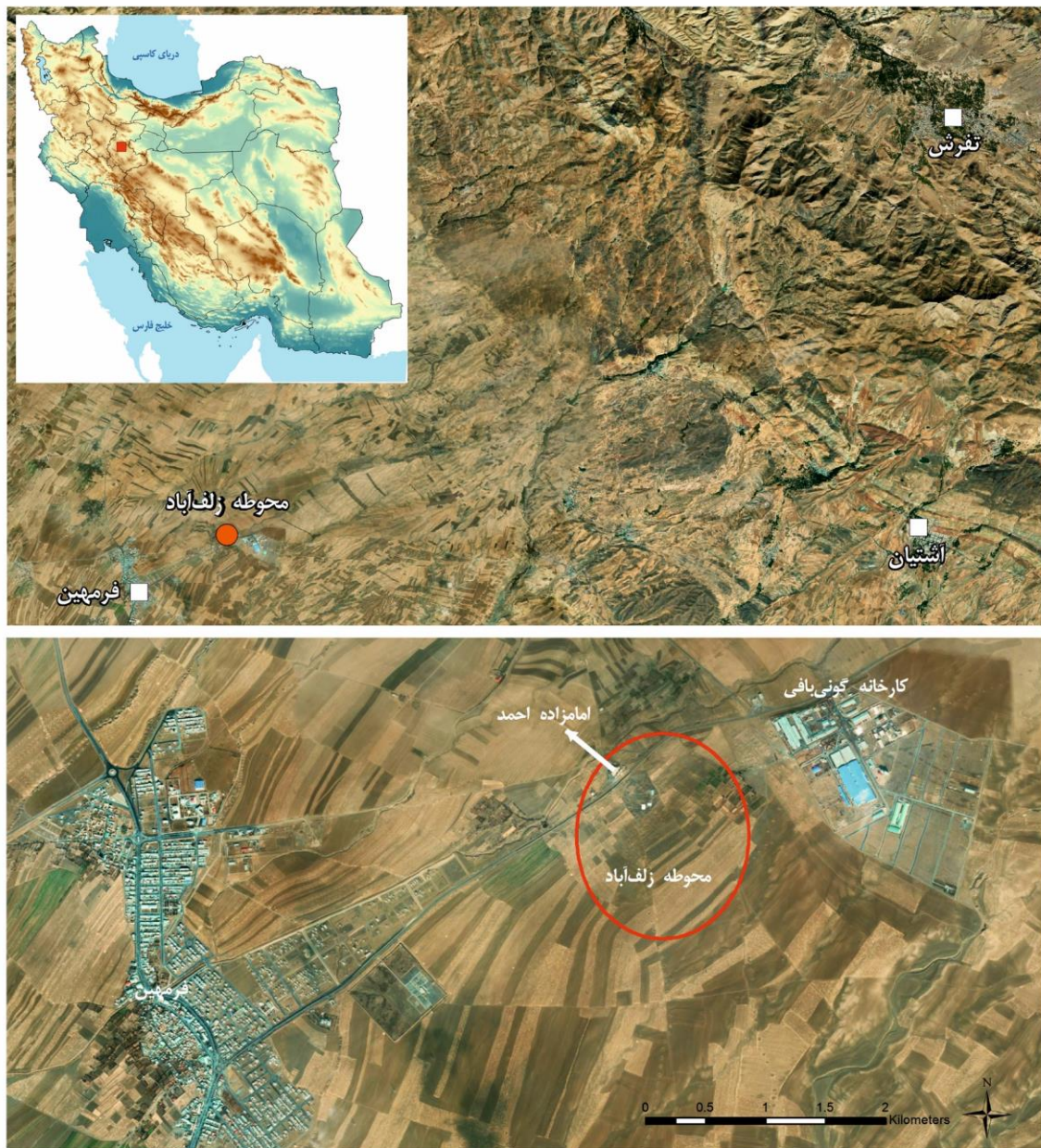
«ابودلف عباسی در محال فراهان شهری بنا کرد مشتمل بر دو مرتبه تحتانی و فوقانی، یعنی همچنان که در روی زمین عمارات و بیوتات و مساجد و خانات و اسواق و غیره بود، در زیر زمین نیز به عینه همین قسم شهری ساخت که هرگاه دشمنی رو نماید و این شهر را محاصره کند، اهل شهر در طبقه زیرین رفته از شر دشمن محفوظ باشند. این شهر موسوم به «دلف‌آباد» بود. بعد آن را زلف‌آباد گفتند. ابودلف به محاذات این شهر، زمین حفر کرد و شهری در تحت ارض آن آراسته داشت که همچنان مساجد و معابد و بازار و برزن و از هر دور و قصور، همه با روی زمین برابر بود و از هر خانه چاهی به خانه زیرین حفر داد که سبب تموج هوا و ضیاع خانه زیرین باشد و خط محیط این شهر که در تحت ارض است از سه فرسنگ کمتر نباشد.

در سنه ۱۲۳۰ هجری، روز سه‌شنبه نهم ربیع‌الثانی چون برگذشت، آفتاب با حمل تحویل داد و پادشاه ایران، فتحعلی‌شاه قاجار جشن نوروزی به پای برد. در این سال نخستین فتنه زلف‌آباد فراهان پیش آمد. مردم زلف‌آباد نیز جالادتی در نهاد داشتند. جرأت ایشان را این معقل منیع افزون کرد. ایمانی‌خان، حاکم، خویش را بی‌فرمان شدند و منال دیوانی را از گردن بنهادند. آنگاه روزها در شهر زیرین جایگاه ساختند و شب‌ها به قتل و غارت کاروانیان می‌پرداختند. یوسف‌خان سپهدار عراق این قصه را در حضرت پادشاه عرضه داشت و بر حسب فرمان، عبدالله‌خان گرجی یوزباشی با غلامان شاهسون و سواره خزل و سربازان خلیج، ساوه و فراهانی به دفع ایشان بیرون شدند. مردم زلف‌آباد تفنگچیان خود را انجمن کرده و به میدان جنگ آمدند و به اولین حمله، هزیمت شدند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۸۶۷-۸۶۶).

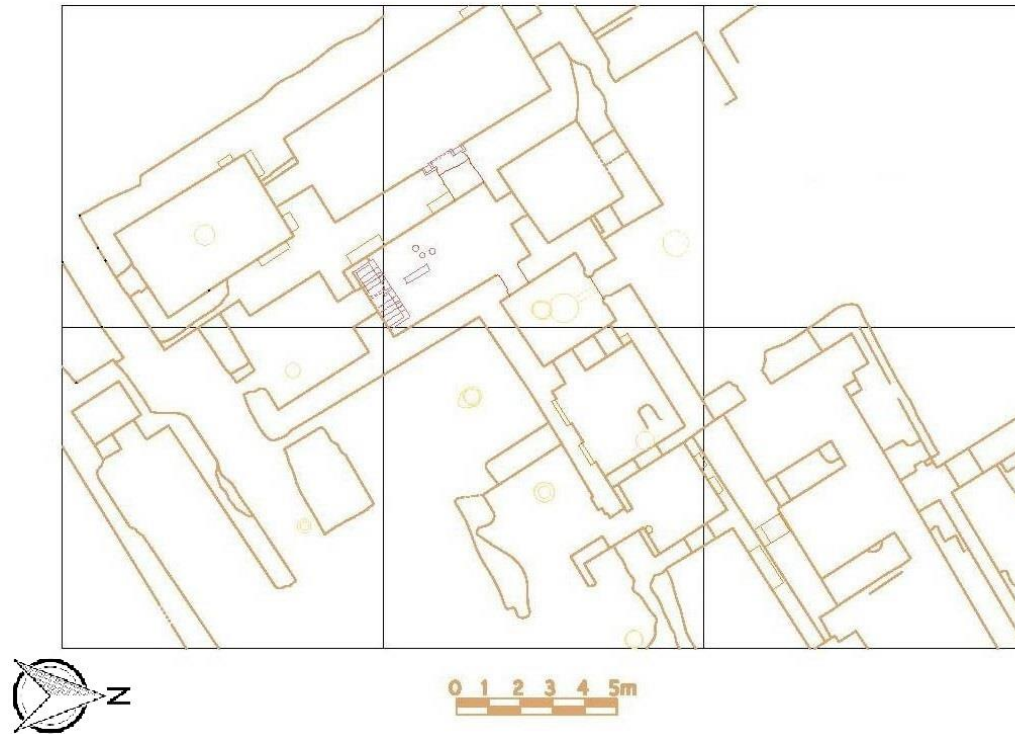
از متون دیگری که در دوران متأخرتر به این منطقه و به ویژه محوطه زلف‌آباد اشاره کرده، سفرنامه ژان اوتر (دوره نادرشاه افشار) است. اوتر در سفرنامه‌اش درباره زلف‌آباد چنین می‌نویسد: «فردای آن روز، پس از گذشتن از شهر گرد، مدت هفت ساعت راه پیمودیم و در مشهد فراهان فرود آمدیم. این دو آبادی وصل به هم، در گذشته بزرگ‌تر بوده است. می‌گویند تهمورث آن را ساخته است و روستاهای آباد و شکارگاه‌های خوبی دارد. نام دیگر شهر گرد، به گفته جغرافی‌دان ترک، گردچه است و چون جای خوبی بوده است، ابودلف آن را برای سکونت انتخاب کرد و کاخی هم در آن ساخت و شهر را گسترش داد. این است که بدان نام گردچه ابی‌دلف داده‌اند و چهار کیلومتر طول آن بوده است» (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۷۵).

مخفی شدن کنده شده که قدمت آن‌ها به دوره قاجار بازمی‌گردد. فضاهای مسکونی حول میدان‌گاهی شکل گرفته‌اند که در دوره‌های بعد از ایلخانی، تعدادی اتاق با کاربری انباری بر روی میدان ساخته شده است (شکل‌های ۱۸ و ۱۹). کلیه ساختارهای معماری مسکونی و ذخیره‌سازی، متناسب با شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه و با استفاده از مصالح بومی همچون خشت و ملات گل ساخته شده‌اند.

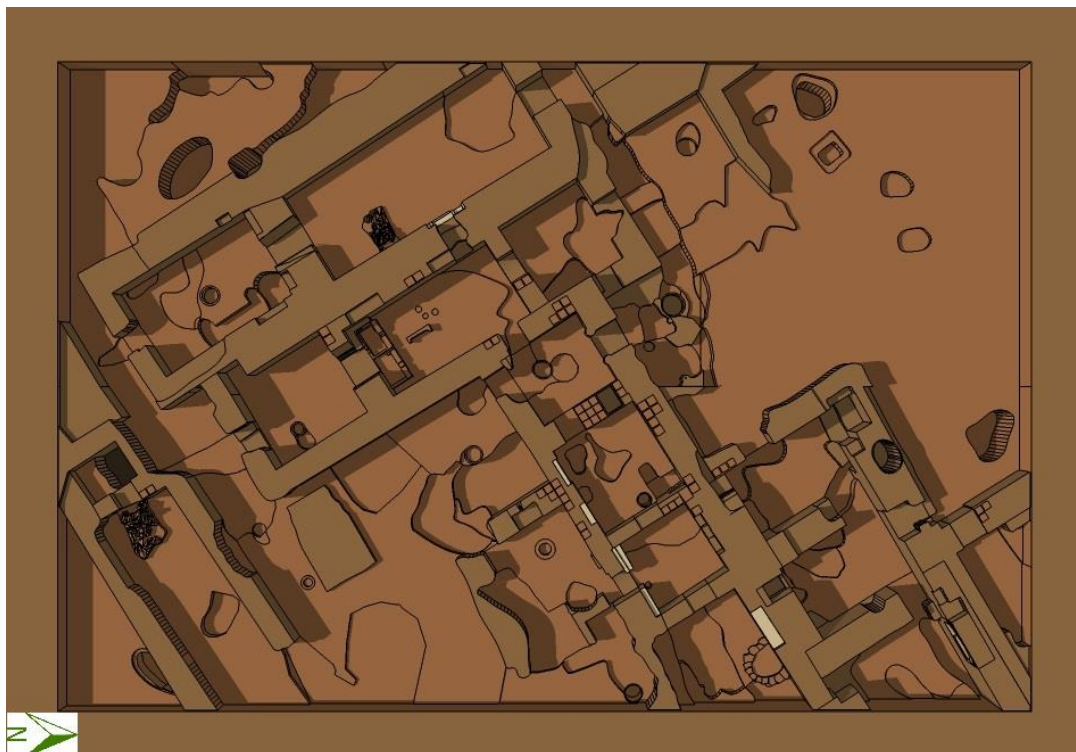
به‌طور کلی، تعدد تنورها (برای چاله کرسی و پخت‌وپز) و وجود سیلوها و تاپوها در فضاهای انباری و ذخیره‌گاه غلات، نشان‌دهنده سکونت طولانی‌مدت در این مجموعه است. بر اساس شواهد به‌دست‌آمده، سقف اتاق‌ها مسطح نبوده و با توجه به شرایط اقلیمی و موقعیت طبیعی به‌صورت تاق گهواره‌ای، چهاربخشی یا در اصطلاح عامیانه «سبز» ساخته شده‌اند (شکل‌های ۱۷-۱۵). در بخش‌هایی از این مجموعه تعداد زیادی چاه و تونل جهت



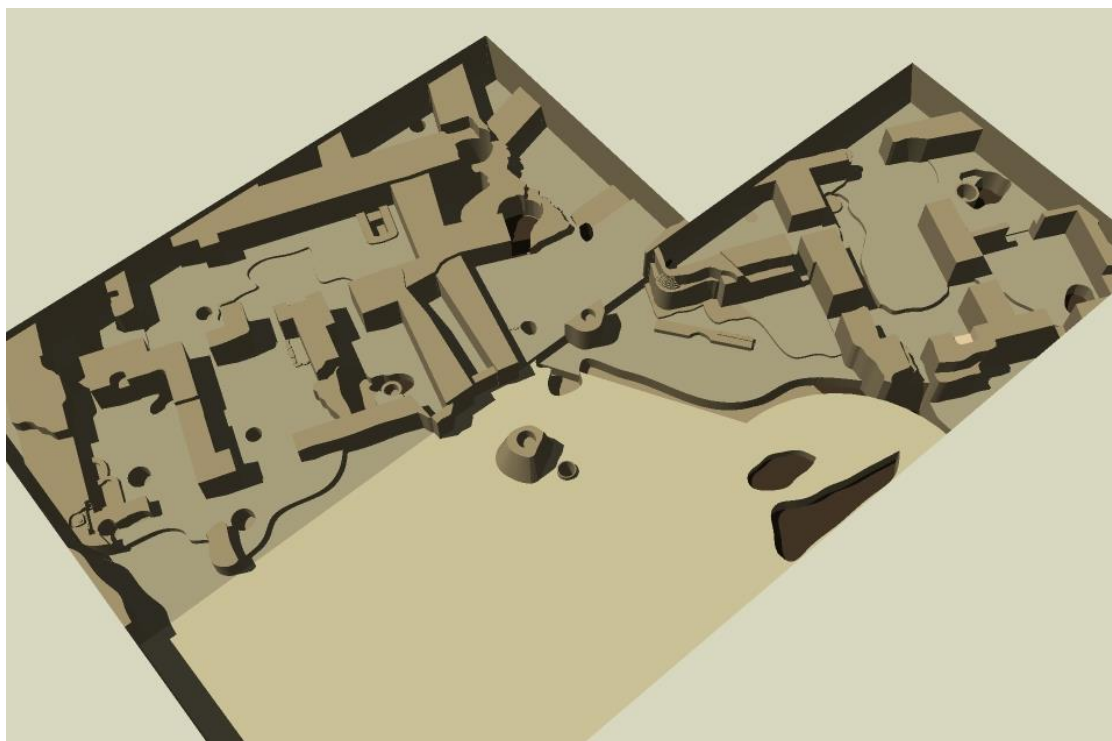
شکل ۱: موقعیت محوطه زلف‌آباد، تصویر ماهواره‌ای Bing



شکل ۲: پلان بقایای معماری مکشوفه از فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۳: پلان سه بعدی بقایای معماری مکشوفه از فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۴: پلان سه بعدی بقایای معماری مکشوفه از فصل دوم کاوش محوطه زلف‌آباد (شراهی، ۱۳۸۹).



شکل ۵: نمای شمال به جنوب بقایای معماری مکشوفه از فصل اول کاوش محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۶: اتاق بزرگ مکشوفه از فصل اول کاوش محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۷: بخشی از یک کوچه مکشوفه از فصل اول کاوش محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۸: بقایای دیوار خشتی مکشوفه از فصل اول کاوش محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۹: ورودی به اتاق و اندود دوغاب سفید روی بدنه دیوارها (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۰: تاپوی گلی در انتهای یکی از فضاهای مکشوفه (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۱: تاقچه گچی مکشوفه از کاوش فصل اول کاوش محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۲: تاقچه با اندود دوغاب سفید، مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلفآباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۳: بقایای تنور مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلفآباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۴: بقایای تنور مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۵: بقایای سقف تاقی شکل در کف یکی از فضاهای مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۶: بقایای ورودی تاقدار که در دوره بعد مسدود شده است (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۷: بقایای تاق یک ورودی مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلفاآباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۸: بقایای یک فضا با کاربری انباری مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۱۹: بقایای انباری کوچک مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).

حمام

سطح آن‌ها با گچ اندود شده است. از کف فضای چهارگوش سربینه، به واسطه چهار پله تعبیه شده در گوشه‌ها می‌توان به کف سکوهای یادشده رسید. حوضی در آستانه میان در و در وسط چهارگوش یادشده پیش‌بینی شده که نحوه پر کردن آن مشخص نشد و به نظر می‌رسد با دست پر می‌شده و با تیبوشه‌ای که در گوشه جنوب شرق به طرف گرم‌خانه کار گذاشته شده، تخلیه می‌گردیده است.

چهار طرف حوض یادشده و کف میان در با استفاده از تخته‌سنگ‌هایی مفروش شده است. شواهدی از نوع سقف سربینه باقی نمانده است و تنها بر اساس نحوه فروریزی آوار در میانه فضا می‌توان نوع پوشش آن را غیرمسطح و با استفاده از مصالح سنگ و گچ دانست. با پشت سر گذاشتن سربینه و عبور از دو پله و پاگرد که چهارچوبه میان در را تشکیل می‌دهند و در سطحی پایین‌تر از سربینه و میان در، گرم‌خانه حمام قرار دارد. گرم‌خانه همان‌طوری که اشاره شد، با اندکی چرخش به سمت جنوب شرقی سربینه و میان در متمایل گشته است. این بخش از حمام طوری طراحی شده تا در گودترین بخش حمام قرار گیرد و بتواند گرمای مورد نظر را حفظ کند. این بخش از حمام از یک خزینه در جنوب، سه حوض، یک حوضچه، گربه‌روها و محل آجرفرش جهت نشستن و یک فضای کاملاً مسدود با کاربری نامشخص تشکیل شده است. کف اصلی حمام و محل نشستن مراجعین با آجرهای بزرگ فرش شده است. در زیر این قسمت، گربه‌روهایی وجود داشته که گرمای هدایت‌شده از تون در میان آن‌ها جریان یافته و زیر سطح مفروش را گرم می‌ساخته است (شکل ۲۰).

برخلاف سربینه، شواهدی از نحوه اجرای پوشش گرم‌خانه در قالب پاتاها موجود است. این شواهد نشان می‌دهد که احتمالاً نوع پوشش فضا، نزدیک به تاق چهاربخشی بوده است. یکی از زیباترین بخش‌های این حمام، ورودی تون و محل ورود حمام‌دار است که در جنوب خزینه گرم‌خانه قرار دارد. این ورودی با دو سکو برای نشستن در طرفین، دارای سردری با تاق آهنگ است (شکل‌های ۲۳ و ۲۴). حمام‌دار با عبور از این ورودی به تون رسیده و سوخت را برای شعله‌ور شدن آتش در تون قرار می‌داده است.

آب پس از مخزن بالای تون به داخل فضای اصلی گرم‌خانه وارد و با چرخش در آبراهه کوچکی به خزینه اصلی رسیده و پس از پر کردن حوضچه‌ای اختصاصی و چرخش در فضا از حوض پایانی گذشته و با شیب ملایمی در جنوب غرب، توسط تیبوشه‌ای سفالین به چاه و کوره رشته قناتی خشکیده می‌ریخته است. عمده مصالح

یکی از ساختارهایی که طی دو فصل کاوش، در گوشه جنوب شرق محوطه زلف‌آباد و نزدیک به میدان مکشوفه در اراضی تحت کشت دیم کشف شد، حمامی با پلان مشخص و منحصر به فرد بود. این حمام کلیه اجزای یک حمام قدیمی از جمله ورودی، سربینه، میان در، گرم‌خانه، تون و مخزن را دارد (شکل‌های ۲۲-۲۰). برای ساخت این حمام، بستر طبیعی و سخت از جنس کنگلومرای را تا عمقی مشخص و بر اساس پلان از پیش تعیین شده حمام کنده‌اند. این حمام در بخشی از محوطه ساخته شده که نسبت به سایر بخش‌های محوطه زلف‌آباد پایین‌تر و نیاز به خاک‌برداری کمتری داشته است. مواد و مصالح به کاررفته بیشتر غیربوم‌آورد و غالباً سنگ است که با توجه به کمبود آن در دشت فراهان، به نظر می‌رسد از ارتفاعات پیرامون و کوه‌های تفرش تهیه شده است. از سنگ در کالبد اصلی بنا و اجرای تاق‌ها استفاده شده است. آجر نیز به‌عنوان مصالح ساختمانی بیشتر در فضای داخلی گرم‌خانه و در شکل‌دهی به حوضچه‌های آب سرد و گرم، گربه‌روها و مفروش ساختن کف فضای اصلی گرم‌خانه و حوضچه‌های یادشده مورد استفاده واقع شده است. از خشت به‌ندرت و آن هم در دیوار شمالی ورودی حمام استفاده شده است. شاخصه‌هایی در این حمام وجود دارد که آن را به‌عنوان یک بنای منحصر به فرد و یک مورد مطالعاتی برای شناخت حمام‌های دوره ایلخانی مطرح کرده است. این شاخصه‌ها که به تدبیر سازندگان یا معمار بنا برمی‌گردد، دقت نظر در اجرای پلان فعلی و رعایت چند سطح متفاوت از بیرون جهت دسترسی به پایین‌ترین سطح، یعنی فضای گرم‌خانه است. در زمان کندن بستر سازندگان جدای از آن که موقعیت ساخت بنا در گودی و در یک بستر سفت را پیش‌بینی کرده بودند، میزان خاک‌برداری و چگونگی چینش فضاها را در سطوح مختلف مدنظر قرار داده بودند. سربینه حمام در سطح بالاتری نسبت به سایر قسمت‌ها قرار دارد و خاک‌برداری کمتری انجام شده است. به‌طوری که دیوارهای سربینه از سطح موجود محوطه بالاتر زده و شاید هم‌تراز با دیگر بناهای عمومی و مسکونی بوده است.

سربینه حمام زلف‌آباد دارای پلانی چلیپایی است. ورودی به این فضا ساده و در سمت غرب است. پس از ورودی، راهرویی سنگ‌فرش در یک سطح پایین‌تر قرار گرفت تقارن رسیدن پلان و شکسته شدن بدنه چلیپا در قسمت غرب فضا شده است. در هر وجه چلیپا، سکوهایی جهت نشستن و گذاشتن وسایل پیش‌بینی شده که

قرار داشته‌اند، دارای لایه یا لایه‌هایی از ساروج یا گل آهک هستند. استفاده چندلایه از ساروج یا گل آهک در بدنه‌ها، نشان از استمرار و استفاده مکرر از حمام طی یک دوره زمانی مشخص یا ادوار مختلف دارد.

استفاده شده در این فضا آجر و سنگ بوده که بسته به کاربرد، از آجر در دیوارها و اسپرها و از سنگ در دیوارها و تاق‌زنی و از گچ به عنوان ملات استفاده شده است. از آنجا که سازه، سازه‌ای آبی است، تمامی دیواره‌های مخزن، حوض‌ها و بدنه اصلی حمام که در معرض آب



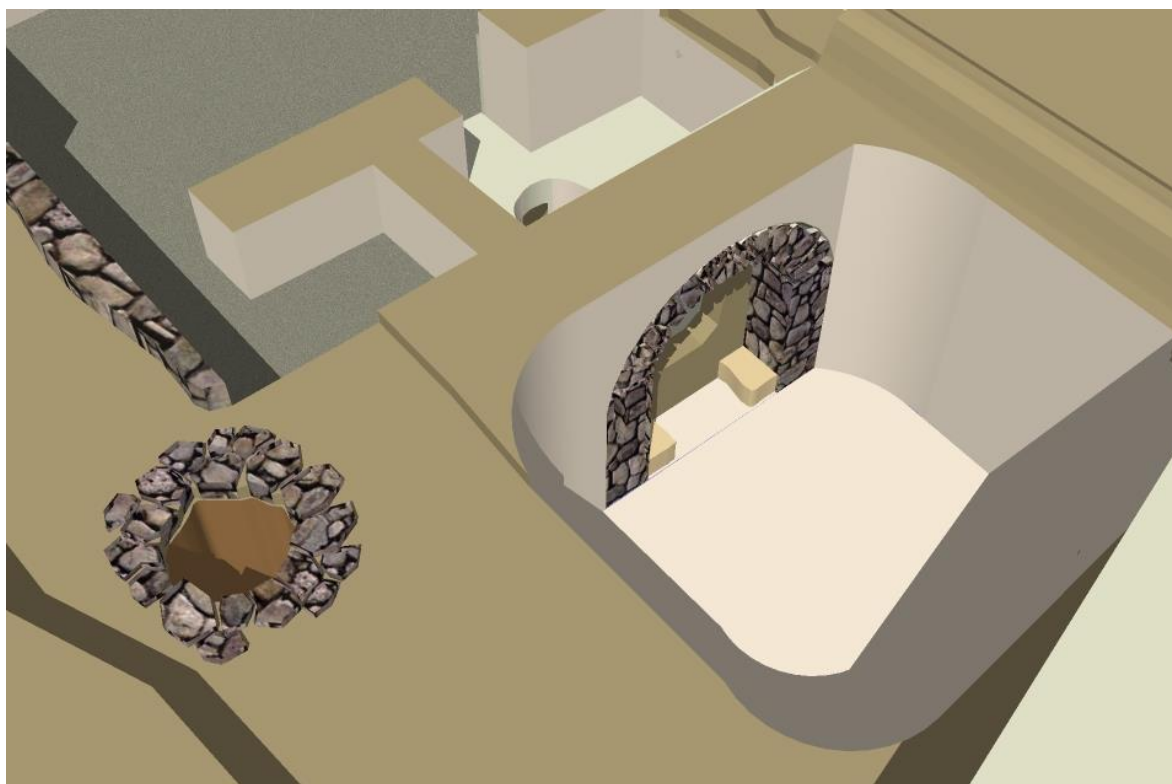
شکل ۲۰: نمای کلی بقایای حمام مکشوفه از کاوش فصل اول و دوم محوطه زلف‌آباد (شراهی، ۱۳۸۹)



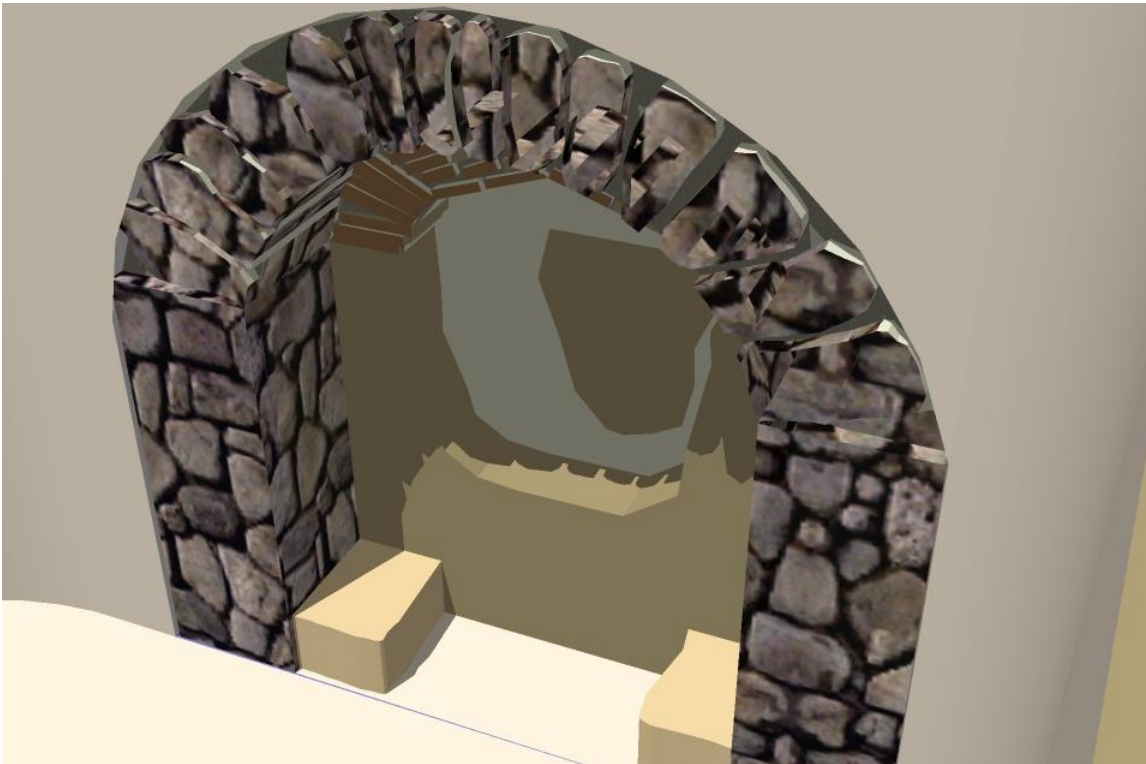
شکل ۲۱: گریه‌رو (چپبله) زیر کف گرمخانه حمام مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۲۲: بخش‌های مختلف حمام مکشوفه از کاوش فصل اول و دوم محوطه زلف‌آباد (شراهی، ۱۳۸۹).



شکل ۲۳: طرح سه بعدی تون و بقایای چاه، مکشوفه از کاوش فصل اول و دوم محوطه زلف‌آباد (شراهی، ۱۳۸۹).



شکل ۲۴: طرح سه بعدی از ورودی تون حمام مکشوفه از کاوش فصل دوم محوطه زلف‌آباد (شراهی، ۱۳۸۹).

میدان‌گاه

زیاد این میدان‌گاه در ترانسه‌های کاوش شده قابل تشخیص و سطح میدان‌گاه در زیر بقایای معماری کاوش‌شده دوره دوم قابل پیگردی است. مؤثرترین عنصر در تبیین کاربری عمومی این ساختار و تشخیص دوره زمانی شکل‌گیری آن، چاهی از مجموعه چاه‌های رشته‌قنات خشکیده زلف‌آباد بود که در دهانه آن کول سفالی وجود داشت که از سطح میدان‌گاه بالاتر بود. این چاه به عمق ۱۰ متر به قناتی متصل بوده که در زمان حیات خود، تمامی یا بخشی از آب مورد نیاز ساکنین را تأمین می‌کرده است. تعبیه این چاه در میانه میدان‌گاه، تأکیدی بر برداشت آب توسط عموم مردم زلف‌آباد در دوره گسترش محوطه دارد.

در اواخر دوره رونق و شکوفایی زلف‌آباد، به نظر می‌رسد قنات خشک شده و زلف‌آباد تا مدت نامشخصی متروکه شده است. این اتفاق با پر شدن چاه یادشده از تکه‌های خشت و آجر همراه شده و به کاربری میدان پایان بخشیده است. پس از مدتی و با رونق دوباره زلف‌آباد و احتمالاً در دوره تیموری و صفوی، این میدان‌گاه کارکرد خود را از دست داده و روی آن سازه‌های جدیدی ساخته شد که طی کاوش‌های انجام‌شده، بقایای معماری پراکنده و آشفته‌ای به دست آمد.

پس از کشف حمام، با این پیش‌فرض که در ساختار شهر یا روستاهای بزرگ دوره اسلامی، محله‌ها دارای فضاهای عمومی از جمله میدان، بازار، مسجد، مدرسه و حمام هستند که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۳)، در فاصله ۲۰ متری جنوب‌غربی حمام، مورد کاوش قرار گرفت که به کشف میدان‌گاه یادشده برای اولین بار در باستان‌شناسی دوره اسلامی انجامید؛ که کاملاً تداعی‌گر یک مکان عمومی در کنار حمام و احتمالاً دیگر فضاهای کاوش‌نشده مانند مسجد است. این میدان‌گاه با برداشت بستر محوطه و با پایین رفتن تا عمق ۱۲۰ سانتی‌متری از سطح فعلی محوطه، با استفاده از قلوه و لاشه‌سنگ و ملات گل‌آهک به ارتفاع ۱ متر، در دوره اولیه سکونت گسترده در محوطه یعنی دوره ایلخانی، در سطحی وسیع که از کنار حمام شروع و به طرف غرب محوطه امتداد می‌یافته، شکل گرفته است. تنها نمای شمالی این سازه با استفاده از سنگ‌های نمادار شکل گرفته و سفیدکاری شده است. سطح آن نیز با استفاده از گل‌آهک پوشیده شده است.

علی‌رغم آسیب‌های بسیار واردشده به این میدان‌گاه در زمان انجام ساخت‌وسازهای دوره دوم سکونت در زلف‌آباد، هنوز وسعت

تحلیل و ارزیابی

معماری مسکونی مکشوفه از زلف‌آباد بر اساس شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه و با استفاده از مصالح بومی ساخته شده است. واحدهای مسکونی در اطراف کوچه یا میدان مرکزی، بدون توجه به یک جهت جغرافیایی خاص، ساخته شده‌اند. آنچه در همه واحدهای مکشوفه مشترک است، وجود یک فضای بزرگ مستطیل‌شکل و فضاهای کوچک و بزرگ دیگری در دو طرف آن است.

از محوطه‌های هم‌دوره زلف‌آباد که دارای معماری مسکونی هستند، می‌توان به محوطه آوه در شهرستان آوه اشاره کرد که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ مورد کاوش قرار گرفت. در جنوب قلعه‌تپه آوه و پس از خندق دور آن، بقایای یک باب خانه مسکونی از زیر خاک بیرون آمد که حدود صد مترمربع مساحت دارد. خانه در انتهای کوچه‌ای به عرض دو متر قرار گرفته و بر فراز برآمدگی واقع شده است که گودال خندق باعث آن است (لشکری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴). این خانه همانند فضاهای مسکونی زلف‌آباد، دارای آشپزخانه، اتاق‌های مستطیل‌شکل، پستو، تنور و اجاق و کف‌هایی است که در دوره بعد بالا آورده شده و فضاها تغییر کاربری یافته‌اند. حمام‌های عمومی، به عنوان بناهای عام‌المنفعه در شهرهای تاریخی ایران، از اهمیت نسبتاً بالایی برخوردار بوده‌اند. در واقع، توجه به نظافت و طهارت در فرهنگ ایرانی - اسلامی موجب شده که حمام‌های عمومی در مراکز شهرها و در کنار فضاهای مهم دیگر شهری، نظیر بازار و مسجد، قرار گیرند. حمام‌ها از جمله تأسیسات برجسته معماری شهرهای اسلامی به شمار می‌رفته‌اند. آثار باقی‌مانده از این حمام‌ها در شهرهای اسلامی از قبیل قاهره، فاس، قرطبه و همچنین وقف‌نامه‌هایی که به موجب آن‌ها بسیاری از حمام‌ها جزء موقوفات بناهای دینی به‌شمار می‌رفته‌اند، مؤید همین امر است (عثمان، ۱۳۷۶: ۲۳۳).

در ایران معمولاً حمام‌های عمومی گودتر از سطح زمین ساخته می‌شدند. این امر احتمالاً دو علت مهم داشته است: سهولت دسترسی به قنوات و حفظ درجه حرارت و گرما و بخارات و جلوگیری از به هدر رفتن آن‌ها در زیر زمین (مهجور، ۱۳۸۲: ۶۳). در این خصوص، پیرنیا معتقد است که حتی اگر حمام در کنار قنات باشد، چاهی را جهت استفاده از آب آن حفر می‌کردند (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۲۰۰).

هر محله مسکونی نیز توسط یک راه اصلی به بازار شهر یا امتداد راه اصلی منتهی به بازار وصل می‌شد. بخش مسکونی هم به عنوان

منطقه اصلی و خصوصی شهر، کارکرد کاملاً متفاوتی با منطقه شلوغ بازار داشت، با این وجود این دو با یکدیگر رابطه ارگانیک داشتند و بخش مسکونی به عنوان مکملی برای بازار در نظر گرفته می‌شد (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

از حمام‌های این دوره که از کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده‌اند، می‌توان به حمام‌های بیشاپور در کازرون اشاره کرد که این حمام‌ها برخلاف حمام زلف‌آباد در سطح زمین و با مصالح سنگ از بناهای دوره ساسانی ساخته شده‌اند (شاه محمدپور، ۱۳۷۹). علاوه بر این می‌توان به حمام ایلخانی ربع رشیدی تبریز که در کاوش‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۸۰ کشف گردید (روح‌انگیز، ۱۳۸۶)، حمام تخت سلیمان که در کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست آمد (امان‌الهی، ۱۳۹۴: ۱۳) و حمام شهر تاریخی حریره در جزیره کیش (موسوی، ۱۳۷۶: ۲۱۸-۲۱۷) اشاره کرد. حمام زلف‌آباد در مرکز بافت و در کنار میدان ساخته شده است.

میدان، کارکردهای متنوعی از جمله محل نمایش، محل همایش، محل گپ و گفت‌وگو، محل تقاطع و تعامل و غیره را تداعی می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). طرح دقیق میدان‌های قبل از اسلام در ایران چندان روشن نیست، لیکن با توجه به عملکردهای ذکر شده می‌توان تصور کرد که میدان کهن ایرانی نیز چون هم‌تابانش در دیگر جوامع کهن، در کنار و یا در ارتباط نزدیک با محل کسب و تجارت بوده و گاه یک یا چند ساختمان مذهبی و یا حکومتی نیز بدان مشرف بوده و یا بدان دسترسی داشته‌اند.

اطلاعات جسته‌وگریخته‌ای که از چگونگی شکل‌گیری دولت - شهرهای کهن بین‌النهرین و جنوب ایران در حوالی قرن دوازدهم پیش از میلاد در دست است، حاکی از احداث و توسعه این مراکز جمعیتی بر پیرامون معابد و زیگورات‌هایی است که به منزله قلب سیاسی و مذهبی آنان به‌شمار می‌رفتند. گرداگرد این معابد و نیایشگاه‌ها را فضایی باز احاطه می‌کرده که محل دیدار و اجتماع، دادوستد و تعامل حاکمان و شهروندان بوده است و از این زاویه، مصداق کالبدی میدان‌های اولیه شمرده می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۱۱).

روایت شاهنامه از مسابقه چوگان بین ایرانیان و تورانیان حاکی از قابل‌دسترس بودن میدان چوگان در حوالی اقامتگاه سلطنتی و عملکرد آن به‌عنوان محل برگزاری مسابقات ورزشی و بازی‌های جمعی بوده است:

«ابا گوی و چوگان به میدان شویم - زمانی ببازیم و خندان شویم»

و یا

«سیاوش بدو گفت فرمان تراست - سواران و میدان و چوگان تراست» (فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۵۴-۱۵۳).

اشارات تاریخی به میادین ایرانی در نوشته‌های مورخان و جغرافی‌دانان پس از اسلام بسیار فراوان‌تر است و نمونه‌های بازمانده از این دسته میادین، مطالعه طرح و عملکرد آن‌ها را بهتر ممکن ساخته است. تعریف فضا، شیوه ساختمانی و اجزای معمارانه، در ارتباط با تداوم شیوه تولید و ساختار اجتماعی و سیاسی سنتی در شهرهای ایرانی بوده و با تغییراتی مختصر تا ظهور تجدد در ایران دوام یافته است (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

در قرون اولیه اسلامی، در وسط و اطراف میدان بزرگ شهر، فقط مسجد جامع و کاخ‌های حکومتی و ساختمان‌های نگهبانی قرار داشت. در اواخر قرن سوم هجری، میدان‌های بزرگی ساخته می‌شود که اطراف آن دیوارهای مختلف، کاخ حکومتی، مسجد اعظم (جامع) و بازارها برپا می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۳: ۶۴). میدان عتیق اصفهان متعلق به دوره سلجوقی، یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های میدان‌سازی در شهرهای ایران معرفی شده است. در دورتادور این میدان بناهایی مانند مسجد جامع، مسجد عالی، بازار و کاخ قرار داشته است، به صورتی که این میدان را به مرکزی با عظمت در شهر تبدیل کرده بودند. با این همه، نشانه‌ای از این حقیقت که طراحان عصر سلجوقی ساخت این ابنیه را در دورتادور میدان بر اساس یک نقشه منظم و از پیش تعیین شده انجام داده باشند، وجود ندارد (پوپ، ۱۳۸۷: ۳، ۱۶۲۹).

استفاده از فرم میدان در دوره ایلخانی سبب ایجاد ساختارهای نوینی در مجموعه‌سازی ایرانی می‌گردد. این ساختار که عمدتاً عبارت بوده است از استقرار ابنیه در جداره یک میدان یا محوطه مرکزی، بسیار به فرم ابنیه چهارایوانی شباهت داشته است (Hillenbrand, 1983: 23). از نمونه‌های قابل توجه میدان - بازارهای بزرگ و تاریخی که امروزه نیز در برخی از شهرهای ایران بر پا ایستاده‌اند، می‌توان به میدان گنجعلی‌خان کرمان، میدان نقش جهان و میدان میرچخماق یزد اشاره کرد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). در محوطه‌ها و شهرهای منسوب به دوره ایلخانی، در کاوش‌های باستان‌شناسی اثری از میدان به‌دست نیامده است. میدان مکشوفه در زلف‌آباد را می‌توان اولین نمونه میدان‌گاهی در بافت شهر یا روستای دوره ایلخانی محسوب کرد. میدان هم‌زمان با شکل‌گیری روستای بزرگ زلف‌آباد، یعنی اواخر دوره خوارزمشاهی و اوایل دوره

ایلخانی، شکل گرفته و در دوره تیموری به بعد ساخت‌وسازهای متعددی بر روی آن شکل می‌گیرد و بخش‌هایی از آن تخریب می‌شود. این سازه از این جهت دارای اهمیت است که علاوه بر کارکرد میدان‌گاهی، محلی برای تأمین آب اهالی زلف‌آباد بوده است.

گاه‌نگاری

براساس سفال‌های مکشوفه از محوطه زلف‌آباد می‌توان گفت که این محوطه حداقل از اواخر دوره سلجوقی مسکونی بوده و تا اواخر دوره صفویه ادامه داشته است. از دوره سلجوقی تعداد اندکی سفال به‌دست آمد که اغلب شامل سفال‌های لعاب‌دار با نقش زیر لعاب و سفال اسگرافیاتو می‌شوند. بیشتر سفال‌های محوطه زلف‌آباد مربوط به دوره ایلخانی هستند که در یک دسته‌بندی کلی شامل نمونه‌های لعاب‌دار و بدون لعاب هستند. از نمونه‌های شاخص این‌گونه سفال‌ها می‌توان به نمونه‌هایی از قالب و سفال‌های قالب‌زده دوره ایلخانی (شکل‌های ۲۵ و ۲۶) اشاره کرد که با نقوش مختلف حیوانی، کتیبه و گیاهی تزیین شده‌اند (نعمتی، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

نمونه‌های سفال لعاب‌دار خود شامل نمونه‌هایی با لعاب تک‌رنگ، نقاشی زیر لعاب و نقاشی روی لعاب می‌شوند. در این میان نمونه‌هایی با نقاشی روی لعاب در قالب زرین‌فام، مینایی و گونه‌های سفال سلطان‌آباد (شکل ۲۷) شاخص‌ترینند. ظروف زرین‌فام و مینایی بیشتر با نقوش غالب دوره چون صورت‌های مغولی، گیاهی و کتیبه تزیین شده‌اند. تنوع و تعدد نمونه‌های سلطان‌آبادی، فرض تولید این گونه سفال در محوطه زلف‌آباد را تقویت می‌کند.

این گونه‌های سفالی که از سفال‌های شاخص قرون ۷ و ۸ هجری قمری بوده‌اند، دارای خمیره سفید فریتی قلیایی سیلیسی از طیف رنگ سفید و نخودی شامل نخودی، نخودی مایل به سفید و نخودی مایل به قرمز هستند (Morgan, 1995: 19). ماده چسباننده آن‌ها دانه‌های ریز و درشت ماسه بوده که به‌وضوح در بدنه سفال قابل مشاهده است (شرانو و گروه، ۱۳۸۴: ۲۵). وجود این ذرات و نیز عدم صیقل سطح سفال‌ها باعث شده بدنه در جاهای فاقد لعاب، از سطحی نسبتاً خشن برخوردار باشد. این ویژگی به‌ویژه در سفال‌های گروه ۳ سلطان‌آباد به‌وضوح دیده می‌شود. ظروف مزبور دارای خمیره نخودی یا نخودی مایل به قرمز با ماده چسباننده ماسه بوده که به‌وضوح قابل مشاهده‌اند. در نتیجه سطحی تقریباً

را تداعی می‌کنند. به تدریج با نزدیک شدن به دوره صفوی، تأثیرات هنر چین بر روی سفالینه‌ها بیشتر شده است. این نمونه‌ها در کنار شواهدی از کوره‌های سفالگری از جمله قطعات قالب‌ها، توپ‌های کوره، سه‌پایه‌های سفالی، جوش کوره، نمونه‌های تغییر شکل داده‌شده، از رونق صنعت سفالگری در جامعه زلف‌آباد دوره ایلخانی حکایت دارند.

علاوه بر سفال، از این محوطه تعداد بیست سکه نقره از سه حاکم اوایل دوره ایلخانی: هلاکوخان، آباخان و احمد نکودار به دست آمد. سکه‌ها نشان می‌دهند که زلف‌آباد از همان اوایل دوره ایلخانی وجود داشته و در این دوره گسترش و رونق یافته است. مطالعه سکه‌های مکشوفه نشان می‌دهد که زلف‌آباد از زمان اولین حاکم ایلخانی یعنی هلاکو (شکل ۲۹) در اوایل نیمه دوم قرن هفتم هجری قمری دارای حیات و رونق بوده است. بیشتر سکه‌های مطالعه‌شده مربوط به دوره حکومت آقا (۶۶۳ تا ۶۸۰ ه.ق)، پسر هلاکو بوده که اغلب ضرب تبریز هستند (نعمتی، ۱۴۰۰: ۱۷۴).

از جمله شهرهایی که همانند زلف‌آباد قبل از دوره ایلخانی پایه‌ریزی شده و در این دوره به اوج شکوفایی رسیدند می‌توان به شهر اوجان اشاره کرد که بنا بر گفته منابع تاریخی، این شهر قبل از دوره ایلخانی، به خصوص در دوره سلجوقیان هم وجود داشته است. این شهر در پی حوادث مختلف از جمله زلزله و جنگ‌های متعدد نتوانسته موجودیت خود را به‌عنوان یک شهر مهم و استراتژیک حفظ کند و تنها در دوره ایلخانی است که این شهر به شکوه و رونق شایسته خود دست می‌یابد (ولایتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸).

ناهموار را در بدنه، حتی جای‌های لعاب‌داده‌شده، ایجاد کرده‌اند. در این ظروف حتی سطح لعاب‌داده‌شده به دلیل رقیق بودن آن، خشن و ناهموار است. معمولاً این سفال‌ها دارای پخت مناسبی هستند، ولی برخی از سفال‌های گروه سوم پخت نامناسبی دارند (Fehervari, 2000: 223).

سفال‌های آبی و سفید در فاصله قرون ۷-۱۰ ه.ق / ۱۳-۱۶ میلادی تولید و استفاده شده‌اند و بعد از آن تاریخ در این بخش از محوطه، شاهد استفاده از این گونه سفال‌ها نیستیم (نعمتی، ۱۳۹۸: ۴۴) (شکل ۲۸).

قطعات کاشی به‌دست‌آمده از دو فصل کاوش شامل قطعاتی از کاشی‌های زرین‌فام و لاجوردی دوره ایلخانی می‌شود که در قالب چهارگوش، ستاره‌ای یا جیک برای آراستن بناهای مختلف و بیشتر بناهای مذهبی استفاده شده‌اند. کاشی‌های زرین‌فام بیشتر با نقوش گیاهی، حیوانی و کتیبه‌های فارسی تزیین شده‌اند و همچنین شامل نمونه‌های لاجوردی با لعاب یک‌رنگ لاجوردی و نقش قالب‌خورده در سطوح بیرونی هستند. برخلاف دوره ایلخانی، سفال‌های دوره تیموری و دوره صفوی متنوع‌تر و پرتعدادترند. این ظروف برخی در قالب سبوها و ابریق‌های ساده و بدون تزیین و برخی در قالب ظروف ذخیره‌ای، پی‌سوز، کاسه، پیاله، بشقاب با لعاب یک‌رنگ لاجوردی، سبز، بادمجانی و گاه با نقوش مختلف گیاهی و هندسی هستند. در این میان، کاسه، پیاله‌ها و بشقاب‌های دوره تیموری غالباً با زمینه سفید و تیره سیاه‌رنگ با نقوش غالب گیاهی از جمله نقش درختانی چون نخل و گیاهان مختلف هستند که بیشتر ویژگی فرهنگ ایرانی



شکل ۲۵: قالب سفالی مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۲۶: تعدادی از سفال‌های قالبی مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۲۷: نمونه‌هایی از سفال نوع سلطان‌آباد مکشوفه از کاوش فصل اول و دوم محوطه زلف‌آباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۲۸: ظرف سفالی نوع آبی و سفید مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلفآباد (نعمتی، ۱۳۸۸).



شکل ۲۹: سکه نقره متعلق به هولاکوخان مکشوفه از کاوش فصل اول محوطه زلفآباد (نعمتی، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

طی فعالیت‌های باستان‌شناسی که در محوطه زلف‌آباد انجام گرفت، نتایج درخور توجهی به‌دست آمد که این محوطه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محوطه‌های دوره اسلامی در مرکز ایران معرفی می‌کند. با مطالعه متون و جمیع اجزاء و عناصر منقول و غیرمنقول به‌دست‌آمده از این محوطه، از جمله معماری و سفالینه‌ها، می‌توان به تبیین نقش و جایگاه منطقه‌ای زلف‌آباد، مقیاس شکل‌گیری این محوطه در قالب یک شهر یا روستای بزرگ، و تحولات اجتماعی - فرهنگی جامعه فراهان به‌عنوان یکی از مراکز جمعیتی و مؤثر در تحولات سیاسی سده‌های ششم تا سیزدهم هجری قمری پرداخت. از ساختار اصلی زلف‌آباد، بخشی از شارستان شامل فضاهای مسکونی، میدان‌گاهی، حمام و بنای مذهبی (امامزاده احمد) به‌دست آمد؛ در صورتی که در این فعالیت‌های پژوهشی از ارگ، حصار، خندق و بازار اثری یافت نشد. واحدهای مسکونی مکشوفه از این محوطه تحت‌تأثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی بوده است. به این صورت که در ساختن فضاهای مسکونی از امکانات محیط پیرامون و مواد و مصالحی که طبیعت در اختیار ساکنان قرار می‌داده، استفاده شده است.

زلف‌آباد را می‌توان روستایی بزرگ در دشت فراهان در نظر گرفت که در اواخر سده ششم هجری در قلب دشت وسیع فراهان شکل گرفته و در دوره ایلخانی به رشد نسبی رسیده است. این روستا در گذرگاه غرب به مرکز ایران و در محل پیوند همدان به قم و مناطق مرکزی ایران قرار داشته و اساس معیشت آن مبتنی بر کشاورزی و ارتزاق از این منبع، با استفاده از آب قنوات بوده است.

با این توصیف و بر اساس نشانه‌های به‌دست‌آمده، به‌نظر می‌رسد زلف‌آباد در نبود یک شهر بزرگ در منطقه، به‌عنوان یک مکان مرکزی عمل می‌کرده و تمامی سکونتگاه‌ها و روستاهای کوچک اقماری را پوشش می‌داده است. بر اساس مطالعه ساختارهای معماری مسکونی و عمومی، این محوطه در اواخر دوره ایلخانی ترک شده است. از طرف دیگر آثار منقول این محوطه حاکی از پویایی اقتصاد، تولید برخی اقلام چون سفال و فلز در محیط و زندگی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی در این دوره است.

شواهد تولید سفال و فلز در منطقه نشان از پیشرفت جامعه زلف‌آباد در دوره ایلخانی در تولید و تبادلات فرهنگی - اقتصادی این محل با شهرهای بزرگ و نزدیک به محوطه از جمله ساوه و کاشان دارد. بر اساس مواد فرهنگی به‌دست‌آمده که قبل از دوره ایلخانی

وجود داشته‌اند، این روستا از حمله و تخریب مغولان در امان مانده و در این دوره نیز طبق روال گذشته به حیات خود ادامه داده و در دوره آباقاخان از آرامش و رونق بالایی برخوردار بوده که این موضوع را سکه‌های مکشوفه، که اغلب مربوط به این حاکم هستند، تأیید می‌کنند. رونق اولیه در این روستا با ترک محیط از سوی ساکنان در اواخر دوره ایلخانی به پایان رسیده است. تمام شواهد از ترک کامل روستا و بدون استفاده ماندن منازل و فضاهای عمومی چون میدان‌گاه و حمام حکایت دارند.

رونق و آبادانی زلف‌آباد در دوره تیموری و صفوی ادامه داشته و به‌نسبت دوره ایلخانی از وسعت بیشتری برخوردار گردیده است. بیشتر فضاهای مسکونی دوره ایلخانی در دوره‌های بعدی با انجام تعمیرات مورد استفاده قرار گرفته‌اند و تمامی فضاهای خالی از جمله سطح میدان‌گاه عمومی روستا برای ساخت‌وساز و ایجاد فضاهای مسکونی و خدماتی جدید مورد بهره‌برداری واقع شده‌اند. تعدد ذخیره‌گاه‌ها در قالب انبارها، انبارک‌ها و تاپوهای بزرگ و کوچک حاکی از تداوم معیشت کشاورزی در منطقه است.

ظروف آبی‌وسفید و ظروف موسوم به چینی در کنار نمونه‌ای نادر از ظروف گامبرون، نشان از فعالیت وسیع تجار در منطقه و نقش کلیدی این محوطه در فضای جامعه ایران دوره صفوی دارد. علت ترک این محوطه را نمی‌توان به‌درستی مشخص کرد ولی چنین به‌نظر می‌رسد که این امر به‌دلیل کمبود آب و خشک‌شدن قنات‌ها اتفاق افتاده باشد. در دوره زندیه و اوایل قاجار، این بخش از محوطه متروک شده و روستا بر اساس شواهد و مدارک سطحی به شمال‌شرق و شرق محوطه منتقل گردیده و از این بخش، با توجه به چاه‌ها و تونل‌های کنده‌شده، به‌عنوان محلی برای مخفی‌شدن استفاده می‌کرده‌اند.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، محمدحسن، ۱۳۸۸. «میدان فضاهای تعریف‌نشده شهرهای ایرانی»، هویت شهر، ۳(۴): ۱۲۰-۱۰۷.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، ۱۳۶۷. مرآت‌البلدان، به‌کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- امان‌الهی، حمید، ۱۳۹۴. «مروری بر پیشینه تاریخی، فرهنگی و پژوهشی محوطه تاریخی تخت سلیمان»، اثر، ۶۹: ۲۰-۳.
- اوتر، ژان. ۱۳۶۳. سفرنامه ژان اوتر. ترجمه علی اقبال. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

لشکری، آرش، اکبر شریفی‌نیا و سمیه مهاجر وطن، ۱۳۹۳. «بررسی و مطالعه معماری و شهرسازی آوه در دوره ایلخانیان»، معماری و شهرسازی ایران، ۸: ۱-۲۰.

مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۲. نزهت القلوب. تهران: دنیای کتاب. موسوی، محمود، ۱۳۷۶. «کاوش باستان‌شناسی در شهر تاریخی حریره جزیره کیش»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۱، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص. ۲۳۸-۲۰۵.

مهجور، فیروز، ۱۳۸۲. «حمام در شهرهای ایرانی - اسلامی»، کتاب ماه هنر، ۵۷ و ۵۸: ۶۷-۶۰. میرخواند، محمد بن خاوندشاه، ۱۳۳۹. روضه‌الصفاء. تهران: انتشارات مرکزی.

نعمتی، محمدرضا، ۱۳۸۸. گزارش فصل اول کاوش محوطه تاریخی زلف‌آباد، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

نعمتی، محمدرضا، ۱۳۹۱. «فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی زلف‌آباد فراهان»، چکیده مقالات یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: انتشارات پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، صص. ۴۴۲-۴۴۱.

نعمتی، محمدرضا، ۱۳۹۸. «مطالعه سفال‌های آبی و سفید محوطه زلف‌آباد فراهان»، باستان‌شناسی، ۳ (۳): ۴۶-۳۱.

نعمتی، محمدرضا، اسماعیل شراهی و علی صدراپی، ۱۳۹۹. «پژوهشی در سفالینه‌های قالب‌زده محوطه زلف‌آباد»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۲۶: ۱۴۰-۱۱۹.

نعمتی، محمدرضا، ۱۴۰۰. «بررسی و تحلیل سکه‌های نوبافته از محوطه زلف‌آباد فراهان»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۱۸: ۱۷۸-۱۵۹. واله‌اصفهانی، محمدیوسف، ۱۳۷۹. خلدبرین، به‌کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.

ولایتی، رحیم، همایون رضوان و قادر ابراهیمی، ۱۳۹۶. «معماری ایلخانی در بستر دو شهر تاریخی اسلامی اوجان و سلطانیه»، باغ نظر، ۵۵: ۲۸-۱۷.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳. جامع‌التواریخ، به‌تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، جلد ۲. تهران: نشر البرز.

Fehervari, G., 2000. *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, London-New York: I. B. Tauris Publishers.

Hillenbrand, R., 1983. "Some Observations on the Use of Space in Medieval Islamic Buildings", in H. Bedawi (ed.), *Proceedings of the International Symposium on Islamic*

بناکتی، فخرالدین ابوسلیمان داود، ۱۳۴۸. تاریخ بناکتی (روضه اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب)، به‌کوشش جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.

یوب، آرتور ایهام، ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران (جلد ۴ و ۹). ترجمه گروهی از مترجمان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

پوربخشنده، خسرو، ۱۳۷۷. گزارش گمانه‌زنی و تعیین حریم محوطه زلف‌آباد، اراک: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان مرکزی (منتشر نشده).

پوربخشنده، خسرو، ۱۳۷۹. «بررسی و شناسایی فراهان از دیدگاه باستان‌شناسی»، پژوهشنامه، مجموعه مقالات پژوهشی، دفتر یکم، تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، صص. ۸۶-۲۷.

پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۰. آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

حسینی شیرازی (فسایی)، حاج میرزا حسن، ۱۳۸۲. فارسنامه ناصری، تهران: نشر امیرکبیر.

خوافی، فصیح احمد ابن جلال‌الدین محمد، ۱۳۴۱. مجمل فصیحی، تصحیح و تحشیه محمود فرخ، مشهد: چاپ طوس.

خیرآبادی، مسعود، ۱۳۷۶. شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد: انتشارات مهشید.

روح‌انگیز، لاله، ۱۳۸۶. گزارش فصل سوم کاوش باستان‌شناسی محوطه ربع رشیدی، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری آذربایجان شرقی (منتشر نشده).

سپهر، محمدتقی، ۱۳۷۷. ناسخ‌التواریخ، به‌اهتمام جمشید کیانفر، تهران: نشر اساطیر.

شاه‌محمدپور، علیرضا، ۱۳۷۹. «حمام‌های بیشاپور»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صص ۱۵۷-۱۳۸.

شراهی، اسماعیل، ۱۳۸۷. گزارش گمانه‌زنی و تعیین حریم محوطه زلف‌آباد، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

شراهی، اسماعیل، ۱۳۸۹. گزارش فصل دوم کاوش محوطه زلف‌آباد، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

صدیقیان، حسین، اسماعیل شراهی، ۱۳۸۹. «بررسی کاشی‌های زرین‌فام محوطه زلف‌آباد فراهان استان مرکزی»، باستان‌شناسی ایران در دوران اسلامی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، صص ۱۲۰۱-۱۱۶۹. عثمان، محمد عبدالستار، ۱۳۷۶. مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

قمی، حسن بن احمد بن محمد بن حسن، ۱۳۱۳. تاریخ قم، ترجمه حسن بن عبدالملک قمی (۸۰۵ ه.ق)، تهران: مطبوعه مجلس.

Architecture and Urbanism, Damman: King Faisal University, pp. 17-30.

Morgan, P., 1995. "Some Far Eastern Elements in Colored-ground Sultanabad Wares", in J. W. Allen (ed.), *Islamic art*

in the Ashmolean Museum, part 2, Oxford: Oxford University Press, pp. 19-44.